

بیسمارک و حزب کارگران آلمان

مطبوعات طبقه متوسط انگلستان اخیراً درباره فجایعی که بیسمارک و عمال وی نسبت به اعضای حزب سوسیال دمکراتیک کارگران آلمان روا داشته اند، سکوت اختیار کرده اند. در این مورد تنها استثناء، و آن هم تا حدودی، روزنامه دیلی نیوز^۱ بوده است. سابق بر این، وقتی حکومت‌های استبدادی کشورهای دیگر نسبت به اتباع خود دست به چنین اعمال وحشیانه ای می زدند، اعتراض روزنامه ها و هفته نامه های انگلستان واقعاً بلند می شد. اما در این مورد بخصوص، که مظلومین کارگرند - و به کارگر بودنشان افتخار می کنند - مطبوعات نماینده «جامعه» و «ده تایی بالا» واقعیات را کتمان می کنند و چنین به نظر می آید که با پایداری در سکوت خود، این اعمال را تأیید می کنند. واقعاً که کارگر را چه به سیاست؟ باید کارهای سیاسی را به «مافوقشان» محول کنند! و دلیل دیگری نیز برای سکوت مطبوعات انگلیسی وجود دارد: حمله به قانون اضطراری بیسمارک (۱) و شیوه های اجرای آن و در عین حال از شیوه های اضطراری آقای فورستر^۲ در ایرلند (۲) دفاع کردن، کار دشواریست. این مسئله بسیار حساسی است و نباید روی آن دست گذاشت. از مطبوعات طبقه متوسط به زحمت می توان انتظار داشت که به میزان سقوط موقعیت اخلاقی انگلستان در اروپا و آمریکا، که منبعث از سیاست دولت کنونی در قبال ایرلند است، اشاره کنند.

هر بار که انتخابات عمومی صورت گرفته، حزب کارگران آلمان تعداد بیشتری رأی به دست آورده است؛ در انتخابات ماقبل آخری ۵۰۰ هزار نفر و در انتخابات گذشته ۶۰۰ هزار نفر به کاندیداهای این حزب رأی دادند (۳). در برلین دو نفر و در البرفلد بارمن^۳، در زردن^۴ و برسلا^۵ هر کدام یک نفر نماینده از این حزب انتخاب شدند. با وجود ائتلاف دولت با تمام احزاب لیبرال، محافظه کار و کاتولیک، با وجود فریادهائی که بخاطر دو بار سوء قصد نسبت به جان امپراطور کشیده می شد (۴) و تمام احزاب متفقاً مسئولیت این سوء قصدها را به گردن حزب کارگران انداخته بودند، با وجود همه اینها حزب کارگران ده کرسی به دست آورد. اما بعد بیسمارک موفق شد قانونی را که سوسیال دمکراسی را غیرقانونی می ساخت، به تصویب برساند. مطبوعات کارگری، که تعدادشان به ۵۰ می رسید، توقیف شدند، به انجمنها و کلوبهای کارگران حمله شد، پس اندازهای آنها توقیف شدند، جلسات آنها توسط طرف پلیس به هم خورد، و بدتر از همه، بر اساس این قانون، میسر بود که درست مثل ایرلند، شهرها یا بخش ها را مشمول شرایط اضطراری «اعلام نماید».

اما آنچه را که حتی قوانین اضطراری انگلستان (۵) هم جرأت نکردند در مورد ایرلند روا بدارند، بیسمارک در آلمان انجام داد. [بر اساس این قانون مصوبه در آلمان] در هر بخشی که مشمول شرایط اضطراری «اعلام می شد»، پلیس اجازه می یافت افرادی را که به عنوان اشاعه سوسیالیسم مورد «ظن قوی» آنها قرار می گرفتند، تبعید کند. البته به مجرد تصویب این قانون،

۱- Daily News

۲- Forster وزیر کشور در امور ایرلند بود.

۳- Elberfeld – Barmen

۴- Dresden

۵- Breslau

شهر برلین مشمول شرایط اضطراری اعلام شد و صدها نفر (با خانواده هایشان هزاران نفر) تبعید شدند. پلیس پروس همیشه مردهای متأهل را تبعید می کند. به جوانان عزب کاری ندارد، چون تبعید برای آنها تنبیه بزرگی نیست. اما برای سران خانواده ها، تبعید، اگر فلاکت محض نباشد، به معنی یک دوران طولانی مشقت است. بعد از آن شهر هامبورگ یک کارگر را برای نمایندگی پارلمان انتخاب کرد (۶) و بلافاصله مشمول شرایط اضطراری شد. اولین دسته تبعیدیان از هامبورگ تقریباً صد نفر بودند، که با خانواده هایشان تقریباً سیصد نفر می شدند. حزب کارگران توانست در عرض دو روز مخارج سفر و سایر احتیاجات فوری آنها را تأمین کند. حالا هم شهر لایپزیگ مشمول شرایط اضطراری اعلام شده (۷) و آن هم بدون هیچ دلیلی، جز اینکه در غیر این صورت دولت موفق نمی شود سازمان حزب را متلاشی کند. تبعیدیهای همان روز اول ۳۳ نفر و اکثراً متأهل بودند. سه نماینده پارلمان آلمان در صدر لیست تبعیدیان قرار دارند؛ شاید آقای دیلون^۱ یک نامه تبریک برای آنها بفرستد، چرا که وضع آنها هنوز به بدی او نیست. (۸)

ولی این همه داستان نیست. از زمانی که حزب کارگران غیرقانونی شد و اعضای آن از تمام آن حقوقی که بر سایر آلمانی ها فرض است محروم گشتند، پلیس اجازه یافت که هر طور که بخواهد با اعضای حزب رفتار نماید. همسران و دختران اعضای حزب، تحت عنوان تفتیش نشریات ممنوعه، مورد شرم آورترین و وحشیانه ترین رفتار قرار می گیرند. اعضای حزب به دلخواه پلیس دستگیر می شوند، دادگاهشان هفته ها به تأخیر می افتد، و فقط پس از تحمل ماهها زندان آزاد می شوند. قوانین جزا را در مورد آنها بیش از حد کش می دهند و جرائمی که در این قوانین نیستند، از سوی پلیس اختراع می شوند. پلیس اغلب دادستانها و قضاتی را پیدا می کند که به اندازه کافی فاسد و یا متعصب باشند که در اجرای مقاصدشان به آنها یاری و مدد دهند. این قیمت ترفیع مقام است! ارقام زیر نشان می دهند که نتیجه این اقدامات چیست. در فاصله بین اکتبر ۱۸۷۹ تا اکتبر ۱۸۸۰، تنها در پروس، بیش از ۱۱۰۸ نفر به اتهاماتی از قبیل خیانت بزرگ، خیانت جنائی، توهین به امپراطور و غیره بازداشت شدند و بیش از ۱۰۰۹۴ نفر به اتهاماتی از قبیل اهانت سیاسی، توهین به بیسمارک، بی حرمتی به دولت و نظائر آن به زندان افتادند. جمعاً یازده هزار و دویست و دو زندانی، این حتی از عملکرد آقای فورستر در ایرلند نیز پیشی می گیرد!

و با تمام این فجایع، بیسمارک چه کاری توانسته انجام دهد؟ موفقیت ایشان هم درست به اندازه موفقیت آقای فورستر در ایرلند بوده است. حزب سوسیال دمکرات، درست مثل انجمن ارضی ایرلند (۹)، سازمانی است مستحکم و در حال شکوفائی بیشتر. چند روز پیش انتخابات شورای شهر مانهایم برگزار شد. حزب طبقه کارگر ۱۶ کاندید معرفی کرد و همه آنها با اکثریت قریب به سه بر یک پیروز شدند. بیل^۲ عضو پارلمان از شهر درزدن، باز هم از بخش لایپزیگ کاندید نمایندگی در پارلمان ساکسون شد. بیل یک کارگر (تراشکار) و اگر نگوئیم بهترین ناطق، بطور قطع یکی از بهترین ناطقین آلمان است. دولت برای جلوگیری از انتخاب وی تمام کمیته او را تبعید کرد. نتیجه این کار چه شد؟ حتی با محدود کردن رأی دهندگان، بیل با اکثریتی بزرگ انتخاب شد. بنابراین «شرایط اضطراری» هم بیسمارک را بجائی نمی رساند، و برعکس، مردم را خشمگین می کند. کسانی که تمام راههای قانونی دفاع از حقوق خود را مسدود می

یابند، در یک فرصت مناسب به راه‌های غیرقانونی متوسل می‌شوند، و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را سرزنش کند. چند بار خود آقایان گلدستون و فورستر این دکتترین را اظهار کرده‌اند؟ و خودشان امروز در ایرلند چطور عمل می‌کنند؟

نوشته شده توسط فردریش انگلس
۲۳ ژوئیه ۱۸۸۱
شماره ۱۲ نشریه لابر استاندارد

توضیحات

۱- قانون استثنائی علیه سوسیالیستها - قانون علیه اهداف خطرناک و مضر سوسیال دمکراسی توسط دولت بیسمارک ارائه شد و در ۲۱ اکتبر ۱۸۷۸ مورد حمایت اکثریت نمایندگان رایشتاگ قرار گرفت تا به وسیله آن با جنبش سوسیالیستی و کارگری مقابله شود. این قانون که به عنوان قانون ضد سوسیالیست شناخته می‌شد، حزب سوسیال دمکرات آلمان را غیرقانونی می‌ساخت، تمام سازمانهای حزبی و سازمانهای توده ای کارگری، مطبوعات سوسیالیستی و کارگری را غیرقانونی اعلام می‌کرد. بر اساس این قانون مطبوعات سوسیالیستی توقیف شدند و محدودیتهایی علیه سوسیال دمکراتها اعمال شد. با این وجود در دوران اعمال این قانون، حزب سوسیال دمکرات موفق شد با همکاری مارکس و انگلس عناصر اپورتونیست و «مافوق چپ» را ریشه کن کند و با تلفیق ماهرانه کار قانونی و غیرقانونی، نفوذ خود را در میان مردم وسعت و قدرت بخشید. تحت فشار جنبش توده ای کارگری، قانون ضد سوسیالیست در اول اکتبر ۱۸۹۰ لغو شد.

۲- اجرای قانون زمین در ایرلند با مقاومت از سوی بخشی از اجاره نشینان ایرلندی مواجه شد. با استفاده از قانون اضطراری تصویب شده در مارس ۱۸۸۱، فورستر اقدامات فوق العاده ای را با فرستادن سربازان به ایرلند جهت بیرون راندن اجاره نشینانی که از پرداخت اجاره امتناع می‌کردند، اجرا کرد.

۳- اشاره انگلس به انتخابات رایشتاگ در ۱۰ ژانویه ۱۸۷۷ و ۳۰ ژوئیه ۱۸۷۸ است.

۴- مقصود سوء قصد به جان ویلهلم اول در ۱۱ مه ۱۸۷۸ توسط امیل هودل که قبلا از انجمن سوسیال دمکرات لایپزیگ اخراج شده بود و سوء قصد توسط یک آنارشویست آلمانی کارل ادوارد نویبلینگ در ۲ ژوئن که هیچ‌گاه عضو حزب سوسیال دمکرات آلمان نبود است. این حوادث منجر به کمپین کینه توزانه ای علیه سوسیالیستها شد و بهانه ای برای اعلام قانون ضد سوسیالیست در اکتبر ۱۸۷۸ بودند.

۵- قوانین اضطراری در طول قرن نوزدهم چندین بار توسط پارلمان انگلیس به تصویب رسیدند. هدف آنها سرکوب جنبش انقلابی و آزادیخواه ملی در ایرلند بود. بر طبق آنها حالت محاصره در مورد اراضی ایرلند اعمال می‌شد و مقامات دولتی اختیارات فوق العاده ای کسب می‌کردند.

۶- در ۲۷ آوریل ۱۸۸۰ جورج ویلهلم هارتمان در انتخابات تکمیلی رایشتاگ در منطقه دوم هامبورگ پیروز شد. از ۹ سپتامبر ۱۸۷۹ تا ۱۵ ژوئن ۱۸۸۱، نمایندگان حزب سوسیال

دمکرات در رایشتاگ عبارت بودند از: آگوست بیل، ویلهلم براکه، فردریش ویلهلم فریتزچه، ویلهلم هاسلمان، ماکس کایسر، ویلهلم لیبکنخت، کلاوس پیتر ریندرز، جولیس واهلتریش و فیلیپ ویمر. بعد از فوت براکه و ریندرز، کرسی های آنان به ایگناز آور و ویلهلم هاسنکلور واگذار شدند.

۷- در ۲۷ ژوئن ۱۸۸۱ شهر لایپزیگ مشمول شرایط اضطراری اعلام شد. قبل از آن همین وضع در برلین در ۲۸ اکتبر ۱۸۸۰، در هامبورگ - آلتونا و حومه آن اعلام شده بود.

۸- با استفاده از قوانین اضطراری در مه - اکتبر ۱۸۸۱ مقامات دولتی انگلیس نمایندگان برجسته ایرلندی، اعضای انجمن ملی ارضی ایرلند که توسط چارلز پارنل رهبری می شد و با قانون زمین ۱۸۸۱ مخالف بود را دستگیر کردند. یکی از زندانیان جان دیلون، رهبر سیاسی ایرلندی، نماینده پارلمان انگلیس و یکی از رهبران انجمن بود.

۹- **انجمن ملی ارضی ایرلند** (Irish National Land League) یک سازمان توده ای بود که در سال ۱۸۷۹ توسط یک خرده بورژوازی دمکرات به نام مایکل داویت (Michael Davitt) تأسیس شد. این سازمان بخشهای وسیعی از دهقانان و تهیدستان شهری ایرلند را دربر می گرفت و مورد حمایت عناصر پیشروی بورژوازی بود. خواسته های ارضی این جامعه، تجلی اعتراض خودانگیخته مردم ایرلند علیه ستم زمینداران و ستم ملی بود. با این حال رهبران انجمن موضع متناقضی را اتخاذ کردند و این مورد استفاده بورژوا ناسیونالیست ها (پارنل و دیگران) قرار گرفت که می خواستند فعالیت های انجمن را به کمپینی برای به دست آوردن یک خودمختاری محدود در چارچوب امپراطوری بریتانیا تبدیل کنند. آنان از خواست الغاء زمینداری انگلیسی، که توسط دمکرات های انقلابی ارائه می شد حمایت نمی کردند. در ۱۸۸۱ انجمن ارضی غیرقانونی اعلام شد ولی در حقیقت فعالیت خود را تا اواخر دهه ۱۸۸۰ ادامه داد.

کمونیه های انقلابی

www.k-en.com

info@k-en.com